

Research Paper: The Effectiveness of Positive Parenting Program (Triple-P) Training on Interaction of Mother-Child with Intellectual Disability

Masoume Pourmohamadreza-Tajrishi ¹, *Mohammad Ashouri ², Gholam Ali Afrooz ², Ali Akbar Arjmandnia ², Bagher Ghobari-Bonab ²

1. Pediatric Neurorehabilitation Research Center, University of Social Welfare & Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran.

2. Department of Psychology and Exceptional Children Education, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran, Tehran, Iran.

Received: 20 Jan. 2015

Accepted: 28 Feb. 2015

ABSTRACT

Objective Intellectual disability affects all aspects of individual's life, while use of parenting educational programs has been associated with strong outcomes. The aim of the present research was to determine the effectiveness of positive parenting program (Triple-P) training on interaction of mother-child with intellectual disability.

Materials & Methods The present research was a quasi-experimental study by pre-test, post-test design and control group. The study population included 40 mothers of children with intellectual disability in Varamin and Pakdasht provinces who were selected by random clustering method from exceptional schools. Participants were divided into two groups (experimental and control group), each of which consisted of 20 individuals. Experimental group received Triple-P in 10 sessions while control group did not. The instrument of present research was parent child relationship scale (PCRS) of Piyanta (1994). The obtained data were statistically analyzed by MANCOVA using SPSS (version 16).

Results Findings showed that experimental and control groups had significant difference at least in one of subscales of the PCRS ($P < 0.001$). The final results of MANCOVA revealed that Triple-P had significant and positive effect on the conflict, closeness, dependency, and positive relationship ($P < 0.001$).

Conclusion The results indicated that Triple-P training has led to the improvement of interaction of mother-child with intellectual disability. It is suggested that specialists promote interaction of mother-child with intellectual disability with implementation of Triple-P training.

Keywords:

Positive parenting program, Interaction of mother-child, Intellectual disability

* Corresponding Author:

Mohammad Ashouri, PhD Student

Address: Department of Psychology and Educational Exceptional Children, Faculty of Psychology & Education, University of Tehran, Jalal Al-e-Ahmad Ave., Tehran, Iran.

Tel: +98 (21) 36728780

E-Mail: ashorihh2@gmail.com

اثربخشی آموزش برنامه والدگری مثبت بر تعامل مادر با کودک کم توان ذهنی

معصومه پورمحمدرضای تجربی^۱، محمد عاشوری^۲، غلامعلی افروز^۳، علی اکبر ارجمندنیاز^۴، باقر غباری بناب^۵

۱- مرکز تحقیقات توانبخشی اعصاب اطفال، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران.

۲- گروه روان شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

حکیده

تاریخ دریافت: ۳۰ دی ۱۳۹۳
تاریخ پذیرش: ۹ اسفند ۱۳۹۳

هدف: کم توانی ذهنی تمام جنبه های زندگی فرد را تحت تأثیر قرار می دهد، درحالی که استفاده از برنامه های آموزشی والدگری با نتایج خوبی همراه است. هدف این پژوهش، بررسی تأثیر آموزش برنامه والدگری مثبت بر تعامل مادران با کودک کم توان ذهنی خویش بود.

روش بررسی: پژوهش حاضر، یک مطالعه نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون-پس آزمون و گروه کنترل بود. جامعه آماری این پژوهش شامل مادران دارای فرزند کم توان ذهنی شهرستان های ورامین و پاکدشت می شد که ۴۰ نفر از آنها به روش نمونه گیری خوشه ای تصادفی از مدارس استثنایی انتخاب شده بودند. شرکت کنندگان به صورت تصادفی به دو گروه ۲۰ نفری تقسیم شدند (یک گروه آزمایش و یک گروه کنترل). گروه آزمایش، برنامه آموزشی والدگری مثبت را در ۱۰ جلسه دریافت کردند درحالی که به گروه کنترل این آموزش ارائه نشد. ابزار استفاده شده در این پژوهش، مقیاس رابطه والد-کودک پیناتا (۱۹۹۴) بود. اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از تحلیل کوواریانس چندمتغیری، با استفاده از نسخه ۱۶ نرم افزار آماری SPSS تحلیل شد.

یافته ها: یافته ها نشان داد که گروه آزمایش و کنترل حداقل در یکی از خرده مقیاس های تعامل والد-کودک تفاوت معناداری داشتند ($P < 0/001$). نتایج نهایی تحلیل کوواریانس چندمتغیری نشان داد که آموزش برنامه والدگری مثبت بر تعارض، نزدیکی، وابستگی و رابطه مثبت کلی اثر مثبت و معناداری داشت ($P < 0/001$).

نتیجه گیری: نتایج حاکی از آن بود که برنامه آموزشی والدگری مثبت سبب بهبود تعامل مادر با کودک کم توان ذهنی شده است. پیشنهاد می شود که متخصصان با اجرای برنامه آموزشی والدگری مثبت، تعامل مادر با کودک کم توان ذهنی را ارتقا بخشند.

کلید واژه:

برنامه والدگری مثبت،
تعامل مادر-کودک،
کم توانی ذهنی

مقدمه

عملکرد خانواده می گذارد [۴]؛ چراکه این امر با تأثیرگذاری بر کمیت و کیفیت روابط زوجین و تعامل^۲ اعضای خانواده می تواند به عملکرد خانواده آسیب رساند [۵].

شرایط در حال گذر جامعه، زندگی کودکان کم توان ذهنی را با مسائل و پیچیدگی های خاص خود مواجه نموده است [۶]. از آنجایی که دوران کودکی از مهم ترین مراحل زندگی است و شخصیت فرد در این دوران پایه ریزی می شود و شکل می گیرد [۴] دور از انتظار نیست که روابط والد-کودک از مهم ترین عوامل مؤثر بر رشد روانی و اجتماعی هر کودکی محسوب شود [۸]؛ زیرا خانواده نخستین و مهم ترین بستر رشد همه جانبه انسان است [۵]. بنابراین، کیفیت روابط والد-کودک در سال های اولیه کودکی، اساس رشد شناختی، اجتماعی و هیجانی آینده او را پایه گذاری می کند [۸]. در حقیقت، مراقبت عاطفی مادر از کودک

یکی از عوامل مهم در ایجاد و گسترش تسهیلات آموزش و پرورش کودکان استثنایی^۱، توسعه اطلاعات و آگاهی روزافزون و احساس مسئولیت مادران و پدران نسبت به این کودکان است. در میان کودکان استثنایی، کودکان کم توان ذهنی^۲ به واسطه پیچیدگی خاص پدیده هوش و کم توانی ذهنی جایگاه قابل ملاحظه ای دارند [۱] و درصد قابل توجهی (۲ تا ۳ درصد) از افراد هر جامعه ای را تشکیل می دهند [۲]. در این راستا، باید والدین با توجه به رهنمودهای متخصصان، فعالیت مستمری در زمینه تعلیم و تربیت کودک خود داشته باشند [۱]؛ زیرا تولد و حضور کودک کم توان ذهنی، خانواده را با مشکلات زیادی مواجه می سازد [۳]. وجود فرزند کم توان ذهنی، تأثیر نامطلوب مداومی بر ساختار و

۱. Exceptional children
۲. Intellectual disability

* نویسنده مسئول:

محمد عاشوری

نشانی: تهران، بزرگراه شهید دکتر چمران، خیابان جلال آل احمد، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، گروه روان شناسی و آموزش کودکان استثنایی.

تلفن: ۰۲۱ ۳۶۷۲۸۷۸۰ (۲۱) +۹۸

رایانامه: ashorihh2@gmail.com

کودکان کم‌توان ذهنی، مشکلات بسیاری را در گستره زندگی و در حین مراحل مختلف رشد تجربه می‌نمایند [۳]. اگرچه پژوهش‌های زیادی برای شناسایی و حل این مشکلات در قالب ارائه راهکارهای درمانی، آموزشی و توانبخشی انجام شده است، ولی بدان معنی نیست که همه مشکلات این افراد از قبل قابل شناسایی باشد و برنامه مناسبی می‌تواند برای آن به اجرا درآید [۱۹]. بنابراین، نوعی از مداخلات خانواده‌محور که شهرت زیادی یافته است و در حوزه‌هایی مانند: کاهش مشکلات رفتاری، کارکرد خانواده، خودکارآمدی والدینی و شیوه‌های فرزندپروری از پشتوانه علمی محکمی برخوردار است، از آن تحت‌عنوان برنامه آموزش گروهی والدگری مثبت یاد شده است [۱۲].

در این رابطه، عابدی شاپورآبادی، پورمحمدرضای تجربی، محمدخانی و فرضی [۲۰] در پژوهشی به بررسی اثربخشی برنامه گروهی والدگری مثبت بر روابط مادر-کودک در کودکان با اختلال نارسایی توجه/بیش‌فعالی پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که اجرای برنامه گروهی والدگری مثبت به مادران منجر به کاهش معنادار تعارض و وابستگی و افزایش نزدیکی و به‌طور کلی موجب بهبود رابطه مادر-کودک شده است. در پژوهشی دیگر، ابارشی، طهماسیان، مظاهری و پناغی [۲۱] به بررسی تأثیر آموزش برنامه ارتقای رشد روانی-اجتماعی کودک از طریق بهبود تعامل مادر-کودک بر خودکارآمدی والدینی و رابطه مادر و کودک پرداختند. نتایج حاکی از آن بود که برنامه ارتقای رشد روانی-اجتماعی، خودکارآمدی والدینی را به‌طور معناداری افزایش داد. در این میان رابطه مثبت مادر و کودک نیز در حوزه‌های رابطه و وابستگی افزایش یافت، اما دیگر حوزه‌ها مثل تعارض و نزدیکی افزایش معناداری نداشتند و به‌طور کلی رابطه مثبت مادر و کودک افزایش معناداری نیافت.

در تحقیق دیگری، روشن‌بین، پوراعتماد و خوشابی [۲۲] به بررسی تأثیر برنامه والدگری مثبت بر میزان استرس والدین کودکان ۴-۱۰ ساله با نارسایی توجه/بیش‌فعالی پرداختند. نتایج نشان داد که برنامه گروهی والدگری مثبت منجر به کاهش استرس والدگری در قلمرو کودک و والدین شده است و تغییرات صورت گرفته تا ۲ ماه پیگیری نیز همچنان باقی مانده بود. نتایج مطالعه متزلزل، ساندرز، رازی و کرولی [۲۳] نشان داد که استفاده از رسانه‌های گروهی در راستای آموزش و مداخله والدگری با توجه به رویکرد پیشگیری سبب افزایش قابل توجه حمایت والدین و سلامت روان آنها می‌شود. فوجیارا، کاتو و ساندرز [۱۲] در پژوهشی آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل به بررسی اثربخشی برنامه مداخلات خانوادگی مبتنی بر گروه که به‌عنوان والدگری مثبت شناخته شده است، بر مشکلات رفتاری کودکان، تغییر در کارکردهای نامطلوب فرزندپروری و سازگاری والدین خانواده‌های ژاپنی پرداختند.

یافته‌های این پژوهش حاکی از کاهش کارکردهای نامطلوب

موقعیتی را فراهم می‌کند که کودک احساس دوست‌داشتنی بودن می‌کند و از دیگران انتظار دارد که به‌عنوان فردی شایسته به او توجه کنند.

علاوه بر تأثیرات مثبتی که یک رابطه خوب دارد، از تأثیرات منفی ارتباط ناکافی و نامطلوب نمی‌توان بر حذر بود. می‌توان از اثرات منفی آن به نرخ بالای مشکلات مربوط به سلامت روان‌شناختی والدین، مشکلات مربوط به تعامل متقابل والدین، ارتباط یک‌سویه والد-کودک و روابط نامناسب برادرها و خواهرها به‌ویژه در بین کودکان زیر سه سال و حتی سال‌های آغازین دبستان اشاره کرد [۹]. همچنین هاینز، ماتویز، کوپلی و ولش (۲۰۰۸) معتقد هستند که مشکلات رفتاری کودکان در سال‌های اولیه زندگی با رفتار و ارتباط منفی مادر و استرس او در ارتباط است و از این طریق رفتار مشکل‌ساز کودک موجب کاهش اعتمادبه‌نفس مادر می‌شود [۱۰].

با توجه به اینکه عوامل متعددی بر روابط کودکان کم‌توان ذهنی و خانواده آنها مؤثر است، روش‌ها و برنامه‌های آموزشی و درمانی متفاوتی را می‌طلبد [۱۱] که برنامه آموزش گروهی والدگری مثبت^۴ یکی از این موارد به‌شمار می‌رود [۱۲]. برنامه والدگری مثبت یکی از روش‌های آموزش والدین است که براساس رفتار درمانگری‌های خانوادگی مبتنی بر اصول یادگیری اجتماعی بندورا به‌وجود آمده است [۱۴ و ۱۳، ۱۲].

این برنامه با ارائه اطلاعات درباره نیازهای گوناگون مادر و کودک، چگونگی رابطه مادر-کودک، کارکرد خانواده و مهارت‌های والدگری می‌تواند در راستای کاهش مشکلات رفتاری و هیجانی کودک و ارتقای کیفیت رابطه مادر-کودک مورد استفاده قرار گیرد [۱۶ و ۱۵]، به‌نحوی که عوامل محافظتی کودکان را غنا بخشد و عوامل خطرسازی را که با مشکلات رفتاری و هیجانی کودکان در ارتباط است، کاهش دهد [۱۲]. استفاده از برنامه والدگری مثبت برای مادران کودکان با نیازهای ویژه بین سنین ۲ تا ۱۲ سالگی پیشنهاد و بر خودکارآمدی مادران در مدیریت و کنترل رفتار متمرکز شده است که از طریق آموزش مادران در جهت ارتقای تحول کودک، می‌توان راه دستیابی به حس شایستگی اجتماعی و خویشتنداری را در والدین هموار ساخت [۱۸ و ۱۷].

برنامه والدگری مثبت اهداف زیر را دنبال می‌کند: افزایش دانش، مهارت، اعتمادبه‌نفس، خودکارآمدی و خوش‌فکری والدین در تربیت کودک؛ ارائه درمان به‌وسیله یادگیری آموزشی، حل مسئله به‌واسطه الگوپردازی و درمانگری ساختار یافته حل مسئله؛ گسترش سرگرمی، ایمنی، پرورش و ایجاد محیطی با حداقل تعارض برای کودکان؛ افزایش کارآمدی رفتاری، هوشی، زبانی، عاطفی و اجتماعی کودکان از طریق مهارت‌های والدگری مثبت [۱۶].

کار با والدین کودکان کم توان ذهنی است؛ زیرا در بسیاری از موارد، والدین کودکان کم توان ذهنی در به کارگیری مهارت‌های مورد نیاز والدگری و تعامل با فرزند خویش ناتوان هستند. در این راستا، برنامه‌ریزی آموزشی‌ای که استفاده از این آموزش‌ها را دربرگیرد می‌تواند نقش مهمی در تعامل مادر با کودک کم توان ذهنی ایفا نماید و اهمیت مسئله را بیش از پیش آشکار سازد. بنابراین، هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی آموزش برنامه والدگری مثبت بر تعامل مادر با کودک کم توان ذهنی است.

روش بررسی

پژوهش حاضر در زمره مطالعات نیمه‌آزمایشی قرار می‌گیرد که در آن از طرح پژوهشی پیش‌آزمون-پس‌آزمون دوگروهی (یک گروه آزمایش و یک گروه کنترل) استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش را مادران ۲۵ تا ۵۰ سال تشکیل می‌دادند که فرزندان کم توان ذهنی آنها در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ در پایه‌های اول تا سوم دبستان مدارس استثنایی شهرستان‌های ورامین و پاکدشت مشغول به تحصیل بودند. برای انتخاب آزمودنی‌ها از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی استفاده شد؛ زیرا واحد نمونه‌برداری فرد یا آزمودنی نیست بلکه مدرسه است.

بدین ترتیب که ابتدا از بین مدارس استثنایی شهرستان‌های تهران، ۲ مدرسه انتخاب شد و ۲۰ نفر از مادران دانش‌آموزان کم توان ذهنی از هر مدرسه با توجه به معیارهای ورود (دامنه سنی ۲۵ تا ۵۰ سال و زندگی با همسر) و خروج پژوهش (شرکت هم‌زمان در برنامه‌های آموزشی مشابه، وجود هرگونه معلولیت حسی، جسمی و حرکتی در فرزند به‌غیر از کم توان ذهنی، مصرف داروهای محرک توسط فرزندان)، انتخاب و به‌طور تصادفی در یکی از دو گروه آزمایش و کنترل جایگزین شدند. در بسیاری از مطالعات، پژوهشگران به‌دلیل محدودیت‌های زمانی و مالی تعداد آزمودنی‌های یک نمونه را محدود می‌سازند؛ به‌همین دلیل به‌منظور تعیین حداقل حجم نمونه مورد نیاز برای تحقیق‌های آزمایشی در هریک از گروه‌های آزمایش و کنترل، ۱۵ نفر پیشنهاد شده است [۳۳].

بنابراین، ۴۰ نفر از مادران انتخاب و در دو گروه آزمایش و کنترل ۲۰ نفری جایگزین شدند. گروه آزمایش، برنامه آموزشی والدگری مثبت را در ۱۰ جلسه دریافت کردند در حالی که به گروه کنترل این آموزش ارائه نشد. قبل از شروع مداخله، مسئولین آموزشگاه از چگونگی پژوهش آگاه شدند و از آزمودنی‌ها رضایتنامه کتبی گرفته شد.

برای جمع‌آوری اطلاعات از مقیاس رابطه والد-کودک پینتاه استفاده شده است. این مقیاس برای اولین بار در سال ۱۹۹۴ تهیه شد که شامل ۳۳ ماده است و ادراک والدین را در مورد رابطه آنها

فرزندپروری، افسردگی، استرس، مشکلات والدگری ادراک‌شده والدین و مشکلات رفتاری کودکان بود. ویتینگهام، سافرونوف، شفیلد و ساندرز [۲۴] در پژوهشی از اصول اساسی برنامه والدگری مثبت برای ارزیابی ۵۹ خانواده دارای کودک اوتیسم ۲ تا ۹ ساله که به‌طور تصادفی انتخاب شده بودند، استفاده گردید. نتایج این پژوهش حاکی از بهبود معناداری در رضایتمندی زوجین و تعارض والدین با کودکان اوتیسم بود.

دانفورث، هاروی، الازیک و مک کی [۲۵] در پژوهشی اثربخشی آموزش والدین را روی ۴۵ کودک مبتلا به نارسایی توجه/بیش‌فعالی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون بررسی کردند. نتایج بیانگر کاهش رفتارهای تکانشی، بیش‌فعالی و کمبود توجه در کودکان و بهبود مهارت‌های والدگری و همچنین کاهش استرس والدین بود. لانگ، ساندرز، لانگ، مارک و لاو [۱۸] با اجرای برنامه والدگری مثبت بر روی ۹۱ کودک مبتلا به مشکلات زودرس سلوک، بیش‌فعالی و والدین آنها، دریافتند که بعد از مداخله، شرکت‌کنندگان کاهش بارزی را در مشکلات رفتاری کودک و نیز شیوه‌های ناکارآمد فرزندپروری گزارش کردند.

علاوه بر پژوهش‌های ذکرشده، اثربخشی برنامه والدگری مثبت هم در درمان مشکلات رفتاری [۲۸، ۲۷، ۲۶، ۱۷، ۱۴]، شیوه‌های فرزندپروری ناکارآمد والدین [۳۱ و ۳۰، ۲۹، ۲۷] و تعارضات زوجین [۳۲ و ۱۷] مورد تأیید قرار گرفته است.

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده در زمینه اثربخشی آموزش برنامه والدگری مثبت بر تعامل مادر با کودک کم توان ذهنی با پژوهش‌های بسیاراندکی مواجه هستیم و در برخی موارد نتایج ناهماهنگ وجود دارد که نمونه‌ای از آن مقایسه نتایج پژوهش‌های عابدی شاپورآبادی و همکاران [۲۰] و ابارشی و همکاران [۲۱] است. اگرچه به‌عقیده فوجیارا و همکاران [۱۲] برنامه والدگری مثبت پشتیبانی علمی محکمی دارد و برای آموزش والدین همه گروه‌های کودکان با نیازهای ویژه طراحی گردیده است، ولی در بیشتر پژوهش‌ها از آن برای والدین کودکان با اختلال نارسایی توجه/بیش‌فعالی، اختلال‌های رفتاری و هیجانی و کودکان درخودمانده استفاده شده است.

براساس مطالعات انجام‌شده، پژوهش داخلی یا خارجی‌ای که به بررسی اثربخشی این برنامه مداخلاتی بر تعامل مادر با کودک کم توان ذهنی پرداخته و در دسترس خوانندگان باشد، یافت نشد. از طرف دیگر، احتمال می‌رود که والدین کودکان کم توان ذهنی در تعامل والدین به‌ویژه مادر-کودک با مشکلات نسبتاً زیادی مواجه شوند و این مشکلات با شیوه والدگری آنها ارتباط بسیار نزدیکی داشته باشد. بنابراین، ضرورت به‌کارگیری آموزش برنامه والدگری مثبت بر تعامل مادر با کودک کم توان ذهنی احساس می‌شود.

آنچه که اهمیت این پژوهش را برجسته‌تر می‌سازد، حساسیت

به فرزندان؛ جلسه چهارم (مدیریت رفتار کارآمد): بحث درباره انواع تقویت‌کننده‌ها، آشنایی با اصول و چگونگی به‌کارگیری آنها؛ جلسه پنجم (مدیریت رفتار کارآمد): آموزش راهبردهای افزایش رفتارهای مطلوب مانند: تحسین کلامی و غیرکلامی و اقتصاد ژتونی، فراهم کردن فعالیت‌های جذاب و بازخورد فوری و عینی؛ جلسه ششم (مدیریت رفتار ناکارآمد): بحث درباره روش‌های گوناگون تنبیه مثبت و منفی، آشنایی با اصول و چگونگی به‌کارگیری آنها؛ جلسه هفتم (مدیریت رفتار ناکارآمد): بحث با والدین درباره پیامدهای منفی تنبیه و استفاده مؤثر از آن، آموزش راهبردهایی مانند: وضع قانون، بحث مستقیم، دستور دادن مستقیم و روشن و نادیده گرفتن؛ جلسه هشتم (مدیریت رفتار): آموزش راهبردهایی برای جایگزینی تنبیه به‌شکل پیشرفته مانند: شناسایی پیامدهای منطقی؛ جلسه نهم (مدیریت رفتار): ارائه تلفیقی از راهبردهای معرفی‌شده، آموزش برنامه‌های کاربردی مانند برنامه روزانه پیروی، برنامه اصلاح رفتار و نمودار رفتاری؛ جلسه دهم (از پیش برنامه‌ریزی کردن): آموزش والدین به‌منظور شناسایی موقعیت‌های پرخطر، به‌کارگیری راهبردهایی معرفی‌شده در قالب روش‌های برنامه‌ریزی‌شده و ارائه رهنمودهایی به مادران برای بقا و دوام خانواده.

در آخرین مرحله پژوهش، هر دو گروه توسط مقیاس رابطه والد-کودک پیانا به‌عنوان پس‌آزمون دوباره مورد ارزیابی قرار گرفتند. داده‌های به‌دست‌آمده از این دو موقعیت آزمون، برای دو گروه با استفاده از تحلیل کوواریانس چندمتغیری در نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۶ تحلیل شد.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی بیانگر سن آزمودنی‌ها در دامنه ۲۵ تا ۵۰ سال با میانگین $38/67 \pm 5/05$ بود که با توجه به مقدار احتمال به‌دست‌آمده اختلاف نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون مقیاس رابطه والد-کودک ناشی از اختلاف سن آزمودنی‌ها نیست ($P < 0/143$). هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی آموزش برنامه والدگری مثبت بر تعامل مادر با کودک کم‌توان ذهنی است. در این راستا در جدول ۱، شاخص‌های توصیفی مقیاس رابطه والد-کودک در چهار خرده‌مقیاس تعارض، نزدیکی، وابستگی و رابطه مثبت کلی در پیش‌آزمون و پس‌آزمون در گروه‌های آزمایش و کنترل را آمده است.

به‌علت وجود یک متغیر مستقل و چند متغیر وابسته و تعدیل اثر پیش‌آزمون از آزمون آماری تحلیل کوواریانس چندمتغیری (MANCOVA) استفاده شد [۳۳]. طبیعی‌بودن متغیرهای پژوهش با آزمون کلموگروف-اسمرینوف مورد تایید قرار گرفت ($P > 0/05$)، آزمون باکس نیز فرض همگنی واریانس-کوواریانس را تأیید کرد ($Box M = 11/62$ و $P < 0/24$). به‌منظور رعایت مفروضه همگنی واریانس‌ها از آزمون لوین استفاده شد که نتایج آن در

با کودک خود می‌سنجد. مقیاس مذکور شامل حوزه‌های تعارض (۱۷ ماده)، نزدیکی (۱۰ ماده)، وابستگی (۶ ماده) و رابطه مثبت کلی (مجموع تمامی حوزه‌ها) است.

تعارض، بیانگر درجه‌ای است که مادر احساس می‌کند رابطه نامطلوب و منفی با فرزند خویش دارد. نزدیکی، بیانگر ادراک مادر از رابطه گرم، عاطفی و ارتباط نزدیک با فرزند خویش است. وابستگی، بیانگر ادراک مادر از میزان وابستگی بیش‌ازحد کودک به والدین است. نمره‌گذاری این مقیاس براساس مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از «۱» (قطعاً صدق نمی‌کند) تا «۵» (قطعاً صدق می‌کند) است.

این پرسشنامه توسط طهماسیان (۱۳۸۶) ترجمه و روایی محتوایی آن نیز توسط متخصصین ارزیابی شده است. پایایی این پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ توسط ابارشی (۱۳۸۸) به‌دست آمد. پایایی حوزه‌های تعارض، نزدیکی، وابستگی و رابطه مثبت کلی به ترتیب $0/84$ ، $0/70$ ، $0/61$ و $0/86$ گزارش شده است [۲۱]. در پژوهش حاضر، روایی این مقیاس $0/72$ و ضریب پایایی آن به روش آلفای کرونباخ در حوزه تعارض $0/82$ ، نزدیکی $0/77$ ، وابستگی $0/73$ و رابطه مثبت کلی $0/74$ به‌دست آمد.

در اولین مرحله پژوهش پس از انتخاب آزمودنی‌ها، به‌منظور رعایت نکات اخلاقی پژوهش، اهمیت، ضرورت و اهداف پژوهش حاضر در جلسه‌ای توجیهی برای مدیران مدارس و مادران تشریح شد و از مادران شرکت‌کننده در پژوهش خواسته شد تا رضایت‌نامه کتبی برای شرکت در پژوهش را تکمیل نمایند. برای ارزیابی تعامل مادر با کودک کم‌توان ذهنی از مقیاس رابطه والد-کودک پیاننا به‌عنوان پیش‌آزمون استفاده شد.

سپس آزمودنی‌ها به‌صورت تصادفی در یکی از دو گروه آزمایش و کنترل جایگزین شدند؛ به‌طوری‌که اعضای هر گروه ۲۰ نفر بود. در مرحله بعدی، گروه آزمایش در ۱۰ جلسه آموزشی ۶۰ دقیقه‌ای طی ۵ هفته و هفته‌ای ۲ جلسه شرکت کردند. یک روان‌شناس مجرب کودکان استثنایی، برنامه آموزشی والدگری مثبت را با استفاده از بحث گروهی و ایفای نقش به اعضای گروه آزمایش آموزش داد؛ درحالی‌که این نوع آموزش به گروه کنترل داده نشد. محتوای جلسات آموزشی در گروه آزمایش به شرح ذیل است.

جلسه اول (والدگری مثبت گروهی): آشنایی با برنامه، بحث در مورد روابط مادر-کودک و علت مشکلات رفتاری، ترغیب والدین به مشاهده و پیگیری رفتار فرزندان خود و تعیین اهدافی برای تغییر رفتار آنها؛ جلسه دوم (ارتقای رشد کودک): آموزش راهبردهای ارتباط مثبت با فرزندان مانند: صحبت کردن، ابراز احساسات و اختصاص زمان به کودک برای ابراز وجود، تمرین و ایفای نقش والدین در گروه‌های کوچک؛ جلسه سوم (ارتقای رشد کودک): آموزش راهبردهایی مانند: آموزش اتفاقی، روش پرسیدن، گفتن و انجام دادن به‌منظور یاددهی رفتارها و مهارت‌های جدید

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی مقیاس رابطه والد-کودک در گروه آزمایش و کنترل.

متغیرها	موقعیت	گروه آزمایش		گروه کنترل	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
تعارض	پیش‌آزمون	۳۵/۶۵	۱/۹۲	۳۵/۴۵	۱/۶۳
	پس‌آزمون	۴۶/۶۵	۲/۰۱	۳۵/۷۰	۲/۲۵
نزدیکی	پیش‌آزمون	۲۰/۴۰	۱/۸۱	۲۰/۵۵	۱/۴۶
	پس‌آزمون	۲۶/۳۰	۱/۳۴	۲۰/۷۵	۱/۳۳
وابستگی	پیش‌آزمون	۱۰/۸۰	۱/۵۱	۱۰/۳۵	۰/۹۸
	پس‌آزمون	۱۵/۵۱	۰/۸۲	۱۰/۵۵	۰/۹۴
رابطه مثبت کلی	پیش‌آزمون	۶۶/۸۵	۲/۹۴	۶۶/۱۰	۱/۵۱
	پس‌آزمون	۸۸/۴۵	۲/۶۴	۶۷/۰۵	۲/۳۰

توانبخشی

جدول ۲ ارائه شده است. از مقیاس رابطه والد-کودک به ترتیب ۶۲٪، ۶۳٪، ۶۴٪ و ۶۷٪ تغییرات ناشی از تأثیر برنامه آموزش گروهی والدگری مثبت بر تعامل مادر با کودک کم توان ذهنی است.

بحث

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که برنامه آموزشی والدگری مثبت بر تعامل مادر با کودک کم توان ذهنی در حوزه‌های تعارض، نزدیکی، وابستگی و رابطه مثبت کلی اثر مثبت و معناداری داشت. این یافته با نتایج مطالعه عابدی و همکاران [۲۰] مبنی بر اثربخشی برنامه گروهی والدگری مثبت بر روابط مادر-کودک در زمینه کاهش معنادار تعارض و وابستگی، افزایش نزدیکی و بهبود رابطه مادر-کودک همسو است.

علاوه بر این، نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های متعددی در زمینه اثربخشی برنامه والدگری مثبت در شیوه‌های فرزندپروری والدین [۳۱ و ۳۰، ۲۹، ۲۷، ۲۲] و تعارضات زوجین [۳۲ و ۱۷] همسو است.

جهت تبیین یافته‌های همسو با یافته اخیر می‌توان عنوان کرد که حضور کودک کم توان ذهنی، خانواده را با مشکلات زیادی مواجه می‌سازد [۳]؛ چراکه با تأثیری که بر کمیت و کیفیت روابط والدین و تعامل اعضای خانواده دارد می‌تواند به عملکرد خانواده

جدول ۲ ارائه شده است. بر اساس اطلاعات این جدول، سطح معناداری محاسبه شده در همه متغیرها از ۰/۰۵ بزرگتر است؛ یعنی فرض همگنی واریانس‌ها برقرار است. بنابراین، می‌توان از آزمون آماری تحلیل کوواریانس چندمتغیری استفاده کرد. همچنین مقیاس رابطه والد-کودک، در دو گروه آزمایش و کنترل در پیش‌فرض‌های آماری «اثر پیلاپی، لامبدای ویلکز، اثر هاتلینگ و بزرگترین ریشه روی» مورد محاسبه قرار گرفت که نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است تا مشخص گردد که آیا آموزش برنامه والدگری مثبت بر تعامل مادر با کودک کم توان ذهنی تأثیر معناداری دارد؟

نتایج آزمون‌های چهارگانه که در جدول ۳ آمده است، حاکی از آن است که گروه آزمایش و کنترل حداقل در یکی از متغیرها تفاوت معناداری دارند ($P < 0/001$). به منظور پی بردن به این تفاوت که آموزش برنامه والدگری مثبت بر کدام یک از متغیرهای مقیاس رابطه والد-کودک اثر معناداری داشته است از آزمون آماری مانکوا استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴ آمده است.

در این تحلیل، متغیر پیش‌آزمون به دلیل همبستگی با پس‌آزمون تعدیل شده است. با توجه به جدول ۴، گروه اثر معناداری بر نمرات پس‌آزمون داشته است ($P < 0/001$) و با توجه به مجذور اتا در هریک از متغیرهای تعارض، نزدیکی، وابستگی و رابطه مثبت کلی

جدول ۲. آزمون همگنی واریانس لون.

متغیرها	F آماره	df _۱	df _۲	P
تعارض	۰/۰۰۱	۱	۳۸	۰/۹۷
نزدیکی	۰/۷۴	۱	۳۸	۰/۳۹
وابستگی	۰/۷۴	۱	۳۸	۰/۳۹
رابطه مثبت کلی	۰/۷۴	۱	۳۸	۰/۵۲

توانبخشی

جدول ۳. نتایج کلی MANCOVA در مقیاس رابطه والد-کودک.

نام آزمون	مقدار	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	آماره F	P
اثر پیلاپی	۰/۹۸	۴	۳۱	۴۴۰/۶۹	<۰/۰۰۱
لامبدای ویلکز	۰/۰۰۱	۴	۳۱	۴۴۰/۶۹	<۰/۰۰۱
اثر هاتلینگ	۷۵/۹۸	۴	۳۱	۴۴۰/۶۹	<۰/۰۰۱
بزرگترین ریشه روی	۷۵/۹۸	۴	۳۱	۴۴۰/۶۹	<۰/۰۰۱

توانبخشنی

بر تعامل مادر با کودک کم‌توان ذهنی در حوزه‌های تعارض، نزدیکی، وابستگی و رابطه مثبت کلی داشته باشد.

یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج پژوهش ابارشی و همکاران [۲۱] که بیانگر تأثیر آموزش برنامه ارتقای رشد روانی-اجتماعی کودک بر رابطه مادر و کودک در حوزه‌های وابستگی و رابطه مثبت بود همخوانی دارد، اما در دیگر حوزه‌ها از جمله کاهش تعارض و افزایش نزدیکی ناهمسو است. در راستای تبیین این یافته ناهمسو با پژوهش حاضر می‌توان گفت حجم نمونه، روش نمونه‌گیری، تعداد جلسات آموزشی و تفاوت سنی فرزندان در این دو پژوهش می‌تواند از علل احتمالی ناهمخوانی نتایج باشند.

با توجه به اینکه کم‌توان ذهنی تمام جنبه‌های زندگی فرد به‌ویژه تعامل مادر با کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهد با این حال، استفاده از برنامه‌های آموزشی والدگری با نتایج مطلوبی در بهبود

آسیب رساند [۵]. باید به این نکته توجه داشت که کودکان کم‌توان ذهنی با مشکلات رفتاری متولد نشده‌اند، شرایط و محیط زندگی و رابطه‌ای را که با اطرافیان به‌ویژه والدین، خواهران و برادران خویش دارند تأثیر مهمی در تعامل والدین و والد-کودک بر جای می‌گذارد [۳۴].

همچنین، به‌نظر می‌رسد مادران کودکان کم‌توان ذهنی به واسطه رفتارهای چالش‌برانگیز فرزند خود و مشارکت پایین پدر در امور مربوط به فرزند کم‌توان ذهنی، در روابط بین‌فردی دچار مشکل و آزرده‌گی خاطر بیشتری شوند و تعامل مادر-کودک تهدید گردد [۳۵]. از طرفی دیگر، برنامه والدگری مثبت که براساس رفتار درمانگری‌های خانوادگی مبتنی بر اصول یادگیری اجتماعی بندورا پدید آمده است [۱۴ و ۱۳] و پایه‌های اساسی این برنامه را پنج اصل محیط ایمن و جذاب^۷، محیط یادگیری مثبت^۸، انضباط قاطع^۹، انتظارات واقع‌بینانه^{۱۰} و توجه به نقش خود به‌عنوان والدین^{۱۰}

جدول ۴. نتایج تفکیکی MANCOVA در مقیاس رابطه والد-کودک.

متغیرهای وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره F	P	مجذور اتا
تعارض	۱۰۴۰/۹۱	۱	۱۰۴۰/۹۱	۴۳۳/۰۲	۰/۰۰۱	۰/۶۲
نزدیکی	۲۹۶/۶۷	۱	۲۹۶/۶۷	۴۹۴/۱۶	۰/۰۰۱	۰/۶۳
وابستگی	۲۰۹/۴۲	۱	۲۰۹/۴۲	۵۵۹/۳۲	۰/۰۰۱	۰/۶۴
رابطه مثبت کلی	۴۰۷۴/۶۱	۱	۴۰۷۴/۶۱	۱۴۵۷/۱۰	۰/۰۰۱	۰/۶۷

توانبخشنی

رابطه مادر با کودک کم‌توان ذهنی همراه است؛ بنابراین، به برنامه مدون آموزشی و توانبخشی ویژه‌ای نیاز است تا روابط والدین با فرزند کم‌توان ذهنی خویش به‌نحو بهتری توسعه یابد.

محدودیت‌هایی را که پژوهش حاضر با آن مواجه بوده است عبارتند از: محدود کردن سن برای شرکت کنندگان، اجرای مداخله برای مادران دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی و عدم شرکت پدران این دانش‌آموزان به‌علت وضعیت اشتغال آنها، محدود کردن هوش، سن و پایه تحصیلی برای دانش‌آموزان، محدودیت در حجم نمونه و همچنین استفاده از روش پژوهش شبه‌آزمایشی که باید در تعمیم نتایج احتیاط شود.

تشکیل می‌دهد. پس برنامه والدگری مثبت با ارائه اطلاعات درباره نیازهای گوناگون مادر و کودک، چگونگی رابطه مادر-کودک، کارکرد خانواده و مهارت‌های والدگری می‌تواند در راستای کاهش مشکلات رفتاری و هیجانی کودک و ارتقای کیفیت رابطه مادر-کودک مؤثر باشد [۱۶ و ۱۵].

بنابراین، احتمال می‌رود که این برنامه مداخلاتی تأثیر مطلوبی

۶ Safe and engaging environment

۷ Positive learning environment

۸ Assertive discipline

۹ Realistic expectations

۱۰ Taking care of oneself as a parent

- cents with intellectual disability (Persian)]. *Journal of Rehabilitation*. 2013; 14(3):31-40.
- [5] Beh-Pajoo A. [Family and children with special needs (Persian)]. 1st edition. Tehran, Iran: Avaye Noor Publications; 2010, pp: 152-53.
- [6] Cartwright-Hatton S. Parent skill training: An effective intervention for internalizing symptoms in younger children. *Journal of Child and Adolescent Psychiatric Nursing*. 2005; 7:128-39.
- [7] Jalil-Abkenar SS, Ashouri M, Pourmohamadreza Tajrishi M. [The effectiveness social competence instruction on the adaptation behavior in male students with intellectual disability (Persian)]. *Journal of Rehabilitation*. 2013; 13(5):104-13.
- [8] Mantymaa M. Early mother-infant interaction. Thesis for MD. Medical School Temper university Hospital; 2006, pp: 18-19.
- [9] Barlow J, Parsones J, Stewart-Brown S. Preventing emotional and behavioural problems: The effectiveness of parenting programmes with children less than 3 years of age. *Child: Care, Health and Development*. 2003; 31(1):33-42.
- [10] Hayes L, Matthews J, Copely A, Welsh D. A randomized Controlled trial of a mother infant or toddler parenting program: Demonstrating effectiveness in practice. *Journal of Pediatric Psychology*. 2008; 33(5):473-86.
- [11] Cooper M, Watson JC, Hoeldampf D. Person-centered and experiential therapies work: A review of the research on counseling, psychotherapy and related practices. Ross-on-Wye, UK: PCCS Books; 2010, pp: 127-28.
- [12] Fujiwara T, Kato N, Matthew R, Sanders MR. Effectiveness of group positive parenting program (triple p) in changing child behavior, parenting style, and parental adjustment: An intervention study in Japan. *Journal of Child and Family Studies*. 2011; 20(6):804-13.
- [13] Turner KMT, Dadds CM, Sanders MR. Facilitator's Manual for Group Triple P. 2nd edition. Milton, Queensland, Australia: Triple P International; 2000, pp: 81-2.
- [14] Sanders MR, Stallman H, McHale M. Workplace Triple P: A controlled evaluation of a parenting intervention for working parents. *Journal of Family Psychology*. 2011; 25(4):581-590.
- [15] Sanders MR. Triple p-positive parenting program as a public health approach to strengthening parenting. *Journal of Family Psychology*. 2008; 22(3):506-517.
- [16] Sanders MR. Triple p-positive parenting program: A population approach to promoting competent parenting. *Aust. E-J. Advancement Mental Health*. 2003; 2(3):127-143.
- [17] Sanders MR, Woolley ML. The relationship between maternal self-efficacy and parenting practices: implications for parent training. *Child: Care, Health and Development*. 2005; 31(1):65-73.
- [18] Leung C, Sanders MR, Leung S, Mark R, Lau J. An Outcome evaluation of the implementation of the triple p-positive parenting program in Hong Kong. *Family Process*. 2003; 42(2):531-44.
- [19] Humphry R, Case-Smith J. Workings with families. In J. Case-Smith (Ed.), *Occupational therapy for children*. 5th edition. Philadelphia, PA: Elsevier Mosby; 2005, pp: 117-153.

به منظور پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود که شرایطی فراهم گردد تا پدران هم در پژوهش شرکت نمایند؛ پژوهش در مورد مادران دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی که بهره‌مندی و دامنه سنی متفاوتی دارند، انجام گیرد؛ تأثیر احتمالی سن، سواد و وضعیت اقتصادی و اجتماعی والدین بررسی گردد؛ پژوهش بر روی نمونه بزرگ‌تری انجام شود و در نهایت، زمان لازم برای پیگیری نتایج در نظر گرفته شود.

نتیجه‌گیری

به‌طور کلی یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که برنامه آموزشی والدگری مثبت بر تعامل مادر با کودک کم‌توان ذهنی تأثیر قابل توجهی دارد. تعامل مادر با کودک یک پدیده پیچیده و چندبعدی است و در اثر تعامل عوامل کلیدی متعددی از قبیل نگرش و میزان پذیرش والدین، نحوه مدیریت و کنترل رفتار، حس شایستگی اجتماعی و خویشتنداری، میزان دانش و مهارت والدگری، اعتمادبه‌نفس و خوش‌فکری والدین در تربیت کودک و ایجاد محیطی با حداقل تعارض، کیفیت روابط والد-کودک و مراقبت عاطفی مادر از کودک شکل می‌گیرد.

تنها یک برنامه والدگری با نگاه مثبت می‌تواند این عوامل کلیدی را مدنظر قرار دهد و آموزش آن به والدین به‌ویژه مادران کودکان کم‌توان ذهنی از اهمیت قابل توجهی برخوردار است؛ چراکه کم‌توانی ذهنی فرزندان بر سبک والدگری مادران بی‌تأثیر نخواهد بود و زندگی مشترک ایشان را با چالش‌های زیادی مواجه خواهد ساخت. در این راستا توجه به این عوامل امری ضروری است؛ زیرا نقش بسیار مهمی در تعامل مادر با کودک دارد. بنابراین، آن دسته از برنامه‌های آموزشی و توانبخشی که بتواند این عوامل کلیدی را مدنظر قرار دهد و بهبود بخشد در ارتقای تعامل مادر با کودک مؤثر خواهد بود.

منابع

- [1] Afroz GhA. [Introduction on the psychology and exceptional children education (Persian)]. 28th edition. Tehran, Iran: Tehran University Publications; 2011, pp: 21-22.
- [2] Jalil-Abkenar SS, Movallali G, Adibsereshki N, Ashouri M. [Comparison of the effectiveness of cognitive & cognitive-metacognitive strategies based on mathematical problem-solving skills on 9th grade girl students with intellectual disability (Persian)]. *Journal of Rehabilitation*. 2012; 12(4):57-67.
- [3] Van Bysterveldt AK, Westerveld MF, Gillon G, Foster-Cohen S. Personal narrative skills of school-aged children with Down syndrome. *International Journal of Language Communication Disorders*. 2012; 47(1):95-105.
- [4] Jalil-Abkenar SS, Ashoori M, Afroz GHA. [The effect of social behaviors training on improvement of the social skills of adoles-

- ing in isolated rural areas. *Australian Journal for the Advancement of Mental Health*. 2003; 2(3):264-76.
- [33] Gall M, Borg W, Gall J. Quantitative and qualitative methods of research in psychology and educational science. Nasr A, Arizi H, Abolghasemi M, Pakseresht MJ, Kiamanesh A, Bagheri Kh, et al (Persian translators). 1th edition. Tehran: Samt; 2003, pp: 324-27.
- [34] Feeley K, Jones E. Strategies to address challenging behaviour in young children with Down syndrome. *Down Syndrome Research and Practice Advance Online Publication*. 2007; 81(11):19-30.
- [35] Bostrom P. Experiences of parenthood and the Child with an intellectual disability. Department of Psychology. Thesis for PhD. University of Gothenburg, Sweden; 2012, pp: 42-43.
- [20] Abedi-Shapourabadi A, Pourmohamadreza-Tajrishi M, Mohamadkhani P, Farzi M. [Effectiveness of group training positive parenting program (Triple-P) on parent-child relationship in children with attention deficit/ hyperactivity disorders (Persian)]. *Journal of Clinical Psychology*. 2012; 3(15):63-75.
- [21] Abarashi Z, Tahmasian K, Mazaheri MA, Panaghi L. [The impact of psychosocial child development training program, done through improvement of mother-child interaction, on parental self-efficacy and relationship between mother and child under three (Persian)]. *Journal of Research in Psychological Health*. 2009; 3(3):49-57.
- [22] Roushanbin M, Pouremad HR, Khoushabi K. [The effect of group positive parenting program training on parenting stress in mothers of ADHD children aged 4-10 years old (Persian)]. *Family Research Quarterly*. 2007; 3(10):555-72.
- [23] Metzler C, Sanders MR, Rusby J, Crowley R. Using consumer preference information to increase the reach and impact of media-based parenting interventions in a public health approach to parenting support. *Journal of Behavior Therapy*. 2012; 43:257-70.
- [24] Whittingham K, Sofronoff K, Sheffield J, Sanders MR. Stepping stones Triple P: An RCT of a parenting program with parents of a child diagnosed with an autism spectrum disorder. *Journal of Abnormal Child Psychology*. 2009; 37(4):469-80.
- [25] Danforth JS, Harvey E, Ulaszcek WR, McKee ET. The outcome of group parent training for families of children with attention-deficit hyperactivity disorder and defiant/aggressive behavior. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*. 2006; 37:188-205.
- [26] Pour-Ahmadi E, Jalali M, Roshan R, Abedin A. [The effect of positive parenting training program in reducing children somatoform disorders (Persian)]. *Baboul University of Medical Sciences Journal*. 2002; 11(2):74-49.
- [27] Jalali M, Pour-Ahmadi E, Babapour KH, Shaeeri MR. [The effect of positive parenting training program in reducing symptoms in children with externalizing disorders (Persian)]. *Tabriz University Psychology Quarterly*. 2007; 13:15-36.
- [28] Sanders MR, Markie-Dadds C, Tully LA, Bor W. The triple p-positive parenting program: A comparison of enhanced, standard, and self-directed behavior family intervention for parents of children with early onset conduct problems. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*. 2001; 68(4):624-40.
- [29] Sanders MR, Pidgeon AM, Gravesock F, Connors D, Brown S, Young RW. [Dose parental attitudinal retraining and anger management enhance the effects of Triple p-positive parenting program with parents at risk of child maltreatment (Persian)]. *Behavior Therapy*. 2004; 35(3):513-35.
- [30] Sanders MR, McFarland MC. Treatment of depressed mothers with disordered children: A controlled elevation. *Cognitive Behavioral Therapy*. 2006; 31(1):86-112.
- [31] Oord SVD, Bogels SM, Peijnenburg D. The effectiveness of mindfulness training for children with ADHD and mindful parenting for their parents. *Journal of Child & Family Studies*. 2012; 21:139-147.
- [32] Cann W, Roggers H, Worley G. Report on a program evaluation of a telephone assisted parenting support service for families liv-

